

مدلی برای مطالعه تاریخی نسبت میان ساختار قدرت و مطبوعات
در ایران

دکتر هادی خانیکی

عضو هیئت علمی گروه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی

(از ص ۷۹ تا ۹۹)

چکیده:

در مقاله حاضر کوشش شده است که با تأکید بر دو متغیر مستقل «قدرت سیاسی» و «جامعه مدنی» برای مطالعه ساختار مطبوعات مدلی عرضه شود. به اعتقاد نگارنده، این دو متغیر مستقل که به وسیله دو عامل «فرهنگ سیاسی نخبگان» و «دستگاههای حل و فصل تعارضهای اجتماعی» نیز تمدید یا تقویت می‌شوند، ساختار توسعه یافته یا توسعه نیافته مطبوعات را در ایران شکل می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: مطبوعات، ساختار قدرت، قدرت سیاسی، جامعه مدنی.

مقدمه:

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که ساخت مطبوعات در ایران، متغیری وابسته به ساخت «قدرت سیاسی» و «جامعه مدنی» است. این دو متغیر مستقل سیاسی و اجتماعی به وسیله دو عامل فرهنگی و حقوقی، یعنی «فرهنگ سیاسی نخبگان» و «دستگاه‌های حل و فصل اختلاف» تجدید یا تقویت می‌شوند. با این رویکرد تاریخی می‌توان همبستگی‌های میان دولت، جامعه و مطبوعات را در قالب چهار فرضیه مورد مطالعه قرار داد.

فرضیه اول: به نظر می‌رسد میان ساخت قدرت سیاسی و توسعه مطبوعات در ایران رابطه معنی‌داری وجود دارد. به این معنا که در دوره‌های پراکندگی یا توزیع قدرت سیاسی، ساخت مطبوعات، توسعه یافته‌تر و در دوره‌های تمرکز و خودکامگی قدرت سیاسی، بر خلاف آن بوده است.

فرضیه دوم: توسعه مطبوعات به نحوه استقرار جامعه مدنی بستگی دارد، به این معنا که در دوره‌های توانمندی جامعه مدنی، ساخت مطبوعات، توسعه یافته‌تر و در دوره‌های ضعف جامعه مدنی، ساخت مطبوعات، توسعه نیافته بوده‌اند.

فرضیه سوم: با توجه به دایره تأثیرگذاری مطبوعات در میان گروه‌های مرجع به نظر می‌رسد فرهنگ سیاسی نخبگان ایرانی، نقشی تشدیدکننده در توسعه مطبوعات دارند. به این ترتیب که در فرهنگ سیاسی مشارکت‌گریز و رقابت‌ستیز، میزان توسعه‌نیافتگی مطبوعات، بیشتر و در فرهنگ سیاسی مبتنی بر مشارکت و رقابت، کمتر است.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد ضعف یا فقدان نهادها و سازوکارهای حقوقی حل اختلاف در جامعه، توسعه‌نیافتگی مطبوعات را تشدید می‌کند.

به منظور بررسی این فرضیه‌ها ابتدا باید نتایج مطالعه و تحقیق پیرامون ساخت دولت، جامعه مدنی، فرهنگ سیاسی و نهادهای حقوقی را به عنوان

متغیرهای مستقل و مشدّد در دوره‌های متفاوت توصیف و تبیین کرد و پس از آن، یافته‌های پژوهشی را درباره ساختار مطبوعات به عنوان متغیر وابسته ارائه کرد. طبیعتاً، براساس «پیوند‌گزینشی» میان این دو ساختار اجتماعی و مطبوعاتی می‌توان تناسب و همبستگی این دو ساختار و عناصر متشکله آنها را با یکدیگر پیدا کرد.

بخش اول: ساختار سیاسی و اجتماعی؛

۱-۱. ساختار قدرت نامتمرکز:

دوره‌ای که با امضای فرمان مشروطیت در روز ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ شمسی (اوت ۱۹۰۶ میلادی) توسط مظفّرالدین شاه آغاز شد و تا کودتای سید ضیاءالدین طباطبایی و رضاخان در تاریخ سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ شمسی (فوریه ۱۹۲۱ م.) پایان یافت، به رغم برخی وقفه‌ها و ناپیوستگی‌ها نظیر دوره استبداد صغیر (۳۱ تیر ۱۲۸۷ تا ۲۵ تیر ۱۲۸۸ ه.ش.) دوره‌ای مبتنی بر توزیع یا پراکندگی قدرت سیاسی است. وجه بارز این دوره، وجود کوششهایی برای پایه‌گذاری دموکراسی پارلمانی و قدرت مقید در ایران است. وضع نظام سیاسی را در این دوره می‌توان براساس پنج شاخص «تمرکز یا تنوع کانونهای اعمال قدرت»، «ثبات یا تغییرپذیری دولت»، «سهم قدرت نظامی در ساختار دولت»، «نحوه پراکندگی سازمان اداری» و «میزان دخالت آشکار و پنهان دولت در اعمال نظارت بر جامعه» مورد مطالعه قرار داد.

مطالعات تاریخی در این دوره نشان می‌دهد که نظام سیاسی برآمده از مشروطیت که بیشتر مبتنی بر یک جنبش اجتماعی است، دارای بافت و ترکیبی پراکنده با مشخصه‌های زیر است:

۱-۱-۱. دارای کانونهای متنوع قدرت است؛ شش کانون عمده، یعنی شاه (یا نایب‌السلطنه)، دولت، مجلس، گروههای غیررسمی، احزاب سیاسی و دولتهای خارجی به تناوب یا در کنار یکدیگر قدرت سیاسی را در دست دارند.

۱-۱-۲. در این نظام، دوام دولتها پایین و درجه تغییرپذیری آنها بالاست. تا زمان وقوع کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی یعنی طی مدت ۱۵ سال، ۲۸ نخست‌وزیر و ۵۰ کابینه با میانگین زمامداری ۱۶۳/۶۶ روز برای هر نخست‌وزیر حاکمیت داشته‌اند.

۱-۱-۳. سهم قدرت نظامی و نظامیان در مازمان دولت کمتر است.

۱-۱-۴. دولت، سازمان اداری نامتمرکز و پراکنده دارد.

۱-۱-۵. شیوه‌های اعمال نظارت اجتماعی در آن بیشتر آشکار، رسمی و مبتنی بر محملهای قانونی است.

۱-۲. ساخت قدرت متمرکز:

دوره دوم مورد مطالعه که با حضور و سقوط رضاشاه در نظام سیاسی ایران مشخص می‌شود (سوم اسفند ۱۲۹۹ تا ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ شمسی) بر خلاف دوره اول از تمرکز در قدرت برخوردار است؛ نظام سیاسی این دوره را می‌توان دارای مشخصه‌های زیر دانست:

۱-۲-۱. دارای کانون ثابت و مستقر سیاسی است.

۱-۲-۲. در این نظام، دوام دولتها بیشتر و تغییرپذیری آنها کمتر است (۱۵

نخست‌وزیر و ۲۹ کابینه در طول ۲۰ سال با میانگین زمامداری ۵۰۶/۳۳ روز برای هر نخست‌وزیر)

۱-۲-۳. ارتش حرفه‌ای، تکیه‌گاه اصلی نظام است و مداخله نظامیان در امور

اجتماعی و سیاسی نامحدود است.

۱-۲-۴. کشور با سازمان دوگانه نظامی- اداری، دارای نظام بوروکراسی متمرکز است.

۱-۲-۵. نظام بر شیوه‌های پنهان دخالت در امور اجتماعی مبتنی است.

۱-۳. جامعه مدنی:

در ساخت سنتی ایران، جامعه مدنی به عنوان عرصه‌ای که ستیزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از آن برمی‌خیزد و در مراحل قبل از دولت - به معنای جدید- و مقابل دولت وجود داشته است. جنبش مشروطه نیز این نهادها را تقویت کرده است، اما با تکوین دولت خودکامه، این نهادها یا سرکوب شده و یا به انحطاط گراییده و به صورت نمایشی در آمده‌اند.

در دوران تمرکز قدرت سیاسی رضاشاه صورتهای سنتی نهادهای مدنی سرکوب شد و صورتهای جدید آن نیز شکل نگرفتند. شاخصهای عمده جامعه مدنی در این دوره ها عبارتند از:

۱-۳-۱. نهادها و گروههای مذهبی، عرفی و سنتی نظیر روحانیت، اصناف، گروههای عشیره‌ای و روستایی، اجتماعات محلی و محله‌ها، نهادهای ریش سفیدی، بست‌نشینی، نظامهای یاریگری و عیاری و نظایر آنها در دوره اول فعال هستند، اما در فرایند تجددگرایی آمرانه رضاشاه، در دوره دوم، سرکوب و یا به انحطاط کشیده می‌شوند.

۱-۳-۲. انجمن‌ها و گروههای خودانگیخته و فعال سیاسی نظیر انجمنهای ملی و مخفی و مجاهدین در تکوین جنبش مشروطه نقش عمده‌ای داشته‌اند. اما در دوره دوم اینگونه نهادها کمتر قابل مشاهده هستند.

۱-۳-۳. احزاب و فراکسیونهای سیاسی از جمله پنج حزب عمده اجتماعیون، عدالتیون، دموکراتها، اتفاق و ترقی خواهان جنوب در دوره اول، دارای فعالیتهای

مؤثر در جامعه و مجلس هستند، اما در دوره دوم اساساً فعالیتهای حزبی به زوال می‌رود.

۱-۳-۴. گروهها و اتحادیه‌های صنفی، نظیر اتحادیه‌های کارگری در طول دوره اول شکل می‌گیرند، اما در دوره تمرکز قدرت اسلامی جای آنها را سازمانهای فرمانبردار و رسمی می‌گیرند.

۱-۴. فرهنگ سیاسی و دستگاههای حل و فصل اختلاف:

فرهنگ سیاسی گروههای حاکم در ایران غالباً تبیین‌کننده رابطه تابعیت و آمریت بوده است. این فرهنگ، همواره پشتوانه قدرت متمرکز و عمودی شده و عملاً مانع مشارکت و رقابت که از مشخصه‌های توسعه سیاسی است، می‌شود. در ساخت سیاسی سنتی ایران معنای سیاست بیشتر از میدان به در کردن رقیب بوده است تا سازمان دادن و جلب مشارکت او؛ این نگرش اگرچه تا حدودی در فرایند مشروطه‌خواهی اصلاح شد اما دوباره در استبداد شبه مدرن رضاشاهی باز تولید گردید. ساز و کارها و نهادهای حل و فصل اختلاف نیز می‌توانند عملاً از شکافها و گسستگی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بکاهند و میثاقهای مذهبی و ملی، وفاق و قانون را جایگزین فردیت‌ها، حاکمیت‌های اجبارآمیز و شیوه‌های پنهان اعمال قدرت کنند؛ در هویت‌های سیاسی و متمرکز یا متنوع، بروز و ظهور متفاوت دارند. این دو متغیر، عوامل مشدد فرهنگی و اجتماعی در دوران مشروطه یا استبداد رضاشاهی‌اند که می‌توان به کمک شاخصهای زیر آنها را مورد بررسی قرار داد:

۱-۴-۱. در دوره مشروطه براساس میزان بالاتر «اعتماد به خود» و «انعطاف

محیط»، عمل سیاسی با افسردگی و بی‌تفاوتی همراه است.

۱-۴-۲. رفتار سیاسی نخبگان در دوره اول، مشارکت‌جویانه‌تر و

رقابت‌پذیرانه‌تر و در دوره دوم محدود است.

۱-۴-۳. توجه به آرای عمومی و نتیجتاً وفاق عمومی در دوره اوّل بیشتر و در دوره دوم کمتر و آمرانه‌تر است.

۱-۴-۴. در دوره اوّل، نهادهای حقوقی مشروع، رسمیت و رواج بیشتری دارند، ولی در دوره دوم، دستگاههای غیررسمی کارآمدتر هستند.

۱-۴-۵. گرایش به قانون‌گرایی در دوره اوّل بیشتر مشاهده می‌شود، اما در دوره دوم اراده نظام حاکم، مطاع‌تر از قانون است.

با این شاخصها می‌توان گفت که عمده‌ترین عامل توسعه‌نیافتگی مطبوعات در ایران وجود موانع توسعه سیاسی در ساختار قدرت بوده و هست.
بخش دوم: ساخت مطبوعات؛

۱-۲. انعکاس ساخت نظام سیاسی و اجتماعی در عرصه مطبوعات:

همانگونه که در بخش یکم اشاره شد متغیرهای قدرت سیاسی، جامعه مدنی، فرهنگ سیاسی و نهادهای حل اختلاف، ساختارهای خاصی را در طول دوره‌های پس از جنبش مشروطه نشان می‌دهد. این دو نوع ساختار طبیعتاً با دو نوع ساختار مطبوعاتی ویژه سازگاری دارد. در دوره توزیع قدرت به تأثیر از پراکندگی قدرت سیاسی اولاً دخالت مستقیم شاه در مطبوعات دوران استبداد سنتی به نظارت قانونی تبدیل می‌شود؛ ثانیاً مطبوعات در کنار نهادهای برآمده از مشروطه مثل مجلس، انجمن‌ها و احزاب قرار می‌گیرند؛ همراه آنها گسترش می‌یابند، یا با تعطیلی و انحلال مواجه می‌شوند؛ ثالثاً صورتهایی از کار جمعی مطبوعاتی و تشکلهای خودانگیخته بروز می‌یابند؛ رابعاً توقیف نشریات به سادگی بدون اعتراض ساینده میسر نمی‌گردد و خامساً آزادی مطبوعات نمودها و مظاهر بیشتری پیدا می‌کند.

در دوره تمرکز قدرت، تحت تأثیر ساخت خودکامه سیاسی اولاً میزان مداخله مستقیم دولت در مطبوعات از طریق تأسیس نهادهای نظارت و دخالت و

تغییر مکرر قوانین و مقررات بیشتر می‌شود؛ ثانیاً امکان واکنشهای جمعی و مدنی از سوی مطبوعات کاهش پیدا می‌کند؛ ثالثاً محدودیتهای انتشار و توقیف مطبوعات افزوده می‌شود؛ رابعاً فرهنگ تملق استغاثه به مسؤولان شدت می‌گیرد و خامساً مداخله خارجیان در امر مطبوعات بروز بیشتری پیدا می‌کند. (خانگی، صص ۲۲۳-۲۸۶)

۲-۲. شاخصهای کمی توسعه مطبوعات:

برای سنجش وضعیت کمی مطبوعات در ایران با توجه به فقد یا ضعف اطلاعات در ایران می‌توان شش شاخص را مورد توجه قرار داد: تیراژ، نوع نشریه، محل انتشار، دوره انتشار، گرایش و علت توقف آن. با این معیارها تفاوت مطبوعات در دوره متفاوت سیاسی، قابل تشخیص است؛

۲-۲-۱. تیراژ مطبوعات:

کمتر اطلاعات ثبت شده‌ای می‌تواند تیراژ واقعی مطبوعات ایران را در طول دوره‌های بعدی مورد مطالعه روشن کند. آنچه معلوم است توجه چشمگیر عمومی به مطبوعات در دوره اول مشروطیت و کم شدن اقبال مردم در دوره دوم است. بر اساس تحقیق دکتر امین بنانی با وجودی که نزدیک به کل توده‌های مردم در عصر مشروطه بی‌سواد بوده‌اند، مطبوعات جدید تیراژ وسیعی به دست آورده بودند؛ صوراسرافیل با تیراژ ۵ هزار، پرخواننده‌ترین روزنامه در آغاز تشکیل مجلس بود؛ اجتماع زیادی بیرون چاپخانه صوراسرافیل و نسیم شمال برای هر شماره منتظر می‌شدند و بسیاری بی‌سوادان دور یک خواننده را در گوشه‌های خیابان یا قهوه‌خانه‌ها می‌گرفتند. همبستگی مستقیمی بین مطبوعات، جامعه و حرکات انقلابی وجود داشت. پیش از سالهای ۱۹۰۶ م. هیچ نشریه‌ای عملاً نمی‌توانست تیراژ بالای ۱۰۰۰ نسخه را ادعا کند. اما در فاصله سالهای

۱۹۰۶ تا ۱۹۰۷ م. تا تیراژ ۷ هزار و حتی ده هزار برای نشریات گزارش شده است. با حاکمیت استبداد محمدعلی شاه این تیراژ رو به کاهش می‌گذارد و حتی پس از سقوط او نیز عمومی‌ترین نشریه، یعنی ایران نو بیش از ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ نسخه تیراژ ندارد. (Banani, pp 31-33)

تیراژ نشریاتی مثل صوراسرافیل تا ۲۴ هزار نسخه (مقدمه دوره کامل صوراسرافیل)، و حتی تا رقم ۳۵ هزار نسخه هم در بعضی گزارشها ذکر شده است (پروین)، البته اگر بتوان این ارقام را پذیرفت و شرایط متحول سیاسی را نیز در نظر گرفت به نسبت جمعیت تخمینی کشور در آن زمان باز هم تیراژ مطبوعات پایین است؛ اگرچه بیشترین جهش را به نسبت دوره‌های قبل و بعد از خود داشته است.

۲-۲-۲. نوع نشریات:

با بررسی ۱۱۱۳ عنوان نشریه‌ای که طی این دو دوره در داخل کشور منتشر شده‌اند، معلوم می‌شود که از مجموع ۵۲۱ نشریه دوره اول و ۵۹۲ نشریه دوره دوم، نشریات دچار دگرگونی شده‌اند. جدول شماره ۱، این تفاوتها را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱- نوع مطبوعات منتشر شده در دو دوره توزیع و تمرکز قدرت سیاسی

نوع	دوره توزیع قدرت	دوره تمرکز قدرت
سیاسی	۲۱۴	۹۵
خبری	۹۸	۱۰۱
اجتماعی	۲۸	۵۸
تخصصی	۳۰	۴۹
ادبی	۲۲	۳۰
فرهنگی	۱۵	۷
فکاهی	۱۲	۱۰

۱۸	۳	دینی
۶	۹	اخلاقی
۱۰	۵	اقتصادی
۱	۵	زنان
۴	۲	نظامی
۳	۱	کشاورزی
۱	۱	انتقادی
۱	۰	حقوقی
۱	۰	محلّی
۱	۰	ورزشی
۱۹۶	۷۶	نامشخص
۵۹۲	۵۲۱	جمع

همانگونه که این جدول نشان می‌دهد در دوره نخست، نوع مطبوعات، بیشتر سیاسی و در دوره دوم خبری بوده است. همچنین مطبوعات ورزشی، حقوقی و محلّی‌گرا در دوره اول و مطبوعات محلّی‌گرا، ورزشی، زنان، حقوق و انتقادی در دوره دوم کمترین تعداد را داشته‌اند. به این ترتیب می‌توان گفت مطبوعات در دوره پراکندگی قدرت به دلیل امکان مشارکت و رقابت، بیشتر سیاسی و در دوره تمرکز قدرت سیاسی به دلیل فضای نامطمئن اجتماعی، عمدتاً خبری و غیرسیاسی بوده‌اند.

۲-۳-۲. محل انتشار:

جدول شماره ۲، محل انتشار نشریات را در دو دوره به تفکیک نشان می‌دهد. در صورتی که نشریه‌ای ابتدا در یک شهر و پس از آن در شهر دیگری منتشر شده باشد، محل دوم به عنوان جای انتشار منظور گردیده است. این جدول

نشان می‌دهد که از مجموع ۵۲۱ نشریه منتشره در دوره نخست، تهران با ۲۴۳ نشریه در مرتبه اول و تبریز با ۶۸ نشریه در مرتبه دوم قرار داشته است. این مسأله مبین تابعیت بیشتر انتشار مطبوعات از کانونهای سیاسی (مثل تبریز) است.

جدول شماره ۲- محل انتشار مطبوعات

دوره تمرکز قدرت	دوره توزیع قدرت	نوع
۳۶۵	۲۴۳	تهران
۲۴	۳۶	شیراز
۳۷	۶۸	تبریز
۳۷	۳۴	اصفهان
۲۲	۳۹	رشت
۲۷	۲۵	مشهد
۱۰	۸	کرمان
۱۱	۷	کرمانشاه
۴	۸	همدان
۵	۷	یزد
۳	۵	ارومیه
۷	۴	قزوین
۲	۱	بوشهر
۵	۰	قم
۱۴	۱۳	نامشخص
۱۹	۲۳	سایر

۲-۲-۴. دوره انتشار:

جدول شماره ۳، به چگونگی دوره انتشار مطبوعات در طول این دو دوره می‌پردازد. با حذف تعداد نامشخص مطبوعات در دوره نخست روشن می‌شود که

نشریات هفتگی با ۲۸۷ عنوان بیشترین سهم را داشته‌اند. این مسأله مبین آن است که در دوره مشروطه انتشار نشریه به صورت هفتگی، وضعیت باثبات‌تر و مناسبتری را به نسبت نشریات دیگر داشته است. در دوره دوم، نقش نشریات ماهیانه بیشتر می‌شود. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت، دوران تمرکز قدرت سیاسی با انتشار کمتر و دورتر مطبوعات، سازگارتر است.

جدول شماره ۳- مطبوعات در دوره‌های عدم تمرکز و تمرکز قدرت بر حسب دوره

انتشار

دوره انتشار	دوره توزیع قدرت	دوره تمرکز قدرت
روزانه	۲۰	۲۳
هفتگی	۲۸۷	۲۴۲
دو هفته یک بار	۲۲	۷
ماهیانه	۴۶	۱۰۹
سالیانه	۲	۵
دو بار در هفته	۵۳	۴۰
هفته‌ای سه بار	۲۳	۳۰
ماهی دو بار	۳	۸
سایر	۱۴	۱۵
جمع	۴۷۰	۴۹۹

۲-۲-۵. گرایش نشریات:

جدول شماره ۴، گرایش و جهت‌گیری مطبوعات را در طول این دو دوره نشان می‌دهد. در این جدول به دلیل فقدان اطلاعات لازم در منابع مورد استفاده، سهم گرایشهای نامعلوم بالاست؛ علت این امر می‌تواند ناشی از شرایط سیاسی جامعه در زمان تهیه این قبیل منابع باشد که اطلاعات سیاسی لازم را در پرده‌ای

از ابهام گذاشته است. با وجود این تا حدود زیادی روشن می‌شود که مطبوعات سیاسی و انتقادی در دوره نخست فاصله زیادی در جدول با سایر گرایشها دارد و پس از آن نشریاتی که به طور رسمی به احزاب سیاسی تعلق داشته‌اند قرار می‌گیرد. این در حالی است که میزان این قبیل نشریات در دوره دوم کاهش چشمگیری می‌یابد.

جدول شماره ۴- گرایش و جهت‌گیری نشریات در طول دو دوره

دوره تمرکز قدرت		دوره توزیع قدرت		جهت‌گیری
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱/۵	۹	۶۱	۳۲	وابسته رسمی به انجمن‌ها و احزاب سیاسی
۹/۳	۵۵	۱۸/۶	۹۷	دارای جهت‌گیری سیاسی و انتقادی
۰/۸	۵	۲/۱	۱۱	وابسته به انجمن‌ها و گروههای غیر سیاسی
۰/۸	۵	۰/۴	۲	بی‌طرف
۱/۹	۱۱	۱/۲	۶	دولتی
۰/۲	۱	۰	۰	وابسته به سفارت‌خانه‌های خارجی
۲/۴	۱۴	۰/۸	۴	سایر
۸۳/۱	۴۹۲	۷۰/۸	۳۶۹	بدون اطلاع
۱۰۰	۵۹۲	۱۰۰	۵۲۱	جمع

۲-۲-۶. علت توقیف نشریات:

جدول شماره ۵، علت توقیف نشریات را در دوره نشان می‌دهد. این جدول نیز اگرچه با سهم بالای ردیف «بدون اطلاع» رو به روست، اما در همین حد نیز می‌تواند علل ناپایداری مطبوعات را روشن سازد. در دوره نخست در میان نشریاتی که علت عدم استمرار آنها ذکر شده است، توقیف دولتی بیشترین سهم

را به خود اختصاص داده است. در این دوره، کودتای محمدعلی شاه بر علیه مجلس، استبداد ناصرالملوک، بروز جنگ اول جهانی و کودتای ۱۲۹۹ تقریباً به صورت جمعی نشریات کشور را در یک دوره با توقیف مقطعی مواجه ساخت. در دوره دوم با حاکمیت استبداد مطلقه رضاشاه، توقیف پایدارتر است و نسبت به هر نشریه‌ای به طور خاص اعمال شده است.

جدول شماره ۵- علت توقیف مطبوعات در دو دوره

دوره تمرکز قدرت		دوره توزیع قدرت		علل توقیف
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰/۲	۱	۰	۰	توقیف با درخواست دول خارجی
۲/۹	۱۷	۵	۲۶	توقیف از سوی دولت
۰	۰	۰/۶	۳	مشکلات اقتصادی
۱/۵	۹	۱/۱	۶	تعطیل اختیاری
۰/۳	۲	۰/۴	۲	مشکلات حقوقی
۱/۷	۱۰	۱/۹	۱۰	انتشار نشریه دیگر
۰/۷	۴	۳/۳	۱۷	تبعید، حبس، قتل، فرار مدیر
۲/۲	۱۳	۴/۲	۲۲	سایر
۹۰/۵	۵۳۶	۸۳/۵	۴۳۵	بدون اطلاع
۱۰۰	۵۹۲	۱۰۰	۵۲۱	جمع

۲-۳- شاخصهای کیفی:

در این بخش برای آنکه بررسی دقیقتری نسبت به سطح کلی پیشین به عمل آید، از میان کل نشریات دو دوره توزیع و تمرکز قدرت سیاسی، چهار نشریه برای تحلیل محتوا برگزیده شده‌اند. از دوره اول به دلیل آنکه نخستین سال پیروزی مشروطیت نماد ساختار اجتماعی و فرهنگ سیاسی آن دوره است و از

دوره دوم سال ۱۳۱۲ ه. ش به سبب این که مظهر استقرار، استبداد خودکامه رضاشاهی است، از هر یک از این دو مقطع زمانی دو نشریه مؤثر برگزیده شده‌اند.

از دوره اول، دو نشریه صوراسرافیل و روح القدس که هر دو زاینده مشروطیت و قربانی استبدادند و هر دو توقیف شده و مدیرانشان به شهادت رسیده‌اند به عنوان مطبوعات شاخص دوره در نظر گرفته شده‌اند. از دوره دوم، دو نشریه اطلاعات و ایران‌باستان که یکی معرف جریان صرفاً خبری و دیگری معرف ایدئولوژی افراطی پان‌ایرانیستی است، انتخاب گردیده‌اند.

در این تحقیق چهار مقوله برای مقایسه چهار نشریه در نظر گرفته شده است: یکم: برخورداری از سرمقاله یا فقدان آن؛

دوم: موضوع سرمقاله: سیاست داخلی، سیاست خارجی، اقتصادی، فرهنگی و یا اجتماعی؛

سوم: جهت سرمقاله: انتقادی، خشنی و تأییدی؛

چهارم: جهت انتقاد: شاه، نخست وزیر، وزراء، قدرتهای خارجی (انگلیس یا روسیه) و انتقاد کلی به شئون اجتماعی.

مناسب است پیش از بررسی نتایج به چهار نشریه مورد مطالعه به صورت اجمالی پرداخته شود:

روزنامه صوراسرافیل: امتیاز روزنامه صوراسرافیل به نام میرزا قاسم خان تبریزی از بستگان اداری رجال دربار مظفرالدین‌شاه و محمدعلی‌شاه در تاریخ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ه. ق. صادر شد، اما میرزا جهانگیرخان شیرازی از ابتدای امر در این کار با او شرکت داشت. نخستین شماره صوراسرافیل در ۱۷ ربیع‌الثانی انتشار یافت و سرمقاله آن را میرزا علی‌اکبردهخدا با امضای صریح نوشت و در همین شماره ستون، چرند و پرندی به امضای دخو دارد که معلوم می‌دارد سردبیر

روزنامه از همان آغاز تأسیس، دهخدا بوده است. در صفحه اول صوراسرافیل با قید «روزنامه‌ای هفتگی، سیاسی و تاریخی و اخلاقی» بر «حریت، مساوات و اخوت» تأکید شده است (کهن، ص ۱۲۱). سرنوشت این سه تن مسئولان صوراسرافیل، معرف عاقبت مشروطه‌خواهان بود؛ میرزا جهانگیرخان بر سر عقیده جان باخت، میرزا قاسم‌خان بعدها به وزارت رضاشاه رسید و میرزا علی‌اکبرخان از سیاست به طورکلی کناره گرفت و وارد عرصه فرهنگ و ادب شد. صوراسرافیل کمتر به شعر می‌پرداخت و اهمیت آن بیشتر از جهت قطعات مثنوی، به ویژه مقالات کوتاهی بود که تحت عنوان چرند و پرند نوشته می‌شد. این مقالات، قطعات انتقادی هجوآمیز با لحن بسیار شدید و قاطع و نیشدار بود که نمونه‌های بسیار خوبی از نثر فارسی، با عبارات عامیانه موجز و فصیح را در برداشت (کلبن، ص ۲۲). صوراسرافیل در عمر کوتاه خود پنج بار توقیف شد. این روزنامه برخلاف توقیف‌های پی‌درپی، تا به توپ بستن مجلس پایدار ماند و ۳۲ بار چاپ شد. آخرین شماره آن در تاریخ ۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ ه. ق. منتشر شد و بعد از خروج دهخدا و دیگران از ایران، سه شماره دیگر آن نیز در سویس منتشر و سپس برای همیشه تعطیل شد (کهن، ص ۱۳۶).

روزنامه روح‌القدس: روزنامه روح‌القدس به عنوان یکی از مظاهر نخستین روزهای تجربه آزادی پس از پیروزی مشروطه‌خواهان، به مدیریت شیخ احمد روح‌القدس تربتی معروف به سلطان‌العلماء خراسان منتشر شد. نخستین شماره این روزنامه در تاریخ دوشنبه ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ ه. ق. در تهران انتشار یافت (طباطبایی، ص ۱۳۷). این روزنامه دارای چهار صفحه به قطع ۱۱ در ۶/۵ بود و به کشورهای دیگر چون روسیه نیز فرستاده می‌شد (مدره‌انسی، ص ۳۱۶).

روزنامه روح‌القدس جنبه انتقادی تند داشت و بی‌پروا از مظالم حکام و ستمهای مستبدان و حتی شاه یاد میکرد و با واپسگرایی و تاریک‌اندیشی به

مبارزه برمی‌خاست (کلین، ص ۱۵۱). به همین دلیل در طی دوران انتشار بسیار کوتاه خود دو بار توقیف شد که نخستین توقیف آن، اولین محاکمه مطبوعاتی از طریق وزارت دادگستری (عدلیه) را در تاریخ سانسور روزنامه نگاری ایران در پی داشت. مقاله معروف «شاه در چه حال است؟» خود به تنهایی، نمایانگر ماهیت فکری و مبارزاتی گرداندگان این روزنامه در برخورد با استبداد است. در شماره سیزده این روزنامه، شخص محمدعلی شاه مورد حمله قرار گرفته و از اعمال ضد مشروطه وی انتقاد شدیدی شده است. به مناسبت این مقاله، روزنامه توقیف و سلطان‌العلماء نیز دستگیر شد. او را در باغشاه به زنجیر کشیدند و چنان عذاب شکنجه دادند که می‌توان گفت هیچ یک از اسرای باغشاه به اندازه او آزار ندیدند. سرانجام پیش از آنکه همراه دیگران از زندان باغشاه رها گردد، او را به نحوی نامعلوم از میان بردند (کنگوی حضوری با دکتر سید جعفر شهیدی، ۱۳۷۳). با شهادت سلطان‌العلماء خراسانی، انتشار روزنامه روح‌القدس در ایران پس از ۲۸۹ شماره، متوقف اما دو شماره دیگر در سوئیس منتشر شد که فقط از یک شماره آن اطلاعاتی در دست است. مرحوم صدرهاشمی می‌نویسد: «روزنامه روح‌القدس در سوئیس به مدیریت میرزا علی‌اکبر دهخدا تأسیس و منتشر شد. آقای دهخدا دو شماره از روزنامه روح‌القدس را در آنجا منتشر کرد». (اطلاعات، ص ۸).

روزنامه اطلاعات: روزنامه اطلاعات در تهران به صاحب امتیازی و مدیر

مسئولی عباس مسعودی تأسیس و نخستین شماره آن در ۱۹ تیر ۱۳۰۵ ه. ش. (مطابق ۳۰ ذیحجه ۱۳۴۴ ه. ق.) روی یک ورق بزرگ که در مطبعه سربی (روشنایی) چاپ شد، منتشر گردید. در بدو تأسیس اطلاعات به وسیله مرکز اطلاعات ایران که مؤسسه‌ای برای نشر مطبوعات فارسی در تهران بوده و عباس مسعودی نیز در آن عضویت داشته، نشر می‌شده است (صدرهاشمی، ص ۳۲۹). انتخاب نام اطلاعات که مبین هیچ گونه جهت‌گیری سیاسی نبود از سوی مسئولان

وزارت معارف آن ایام، به ویژه علی‌اصغر حکمت، مورد استقبال قرار گرفت (طبری، صص ۱۰۲-۱۰۱).

روزنامه اطلاعات - با روش ملایم و سبک خاص خود، همسویی با دولتهای وقت و تعریف و تمجید از شاه - جزو روزنامه‌های کثیرالانتشار ایران بود که به طور مرتب در طول دوره دوم مورد مطالعه چاپ می‌شد و تا ۱۳۲۰ هرگز تعطیل نگردید (گفتگوی حضوری با دکتر شهیدی، ۱۳۷۳).

روزنامه ایران باستان: روزنامه ایران باستان در تهران به مدیریت سیف آزاد تأسیس شد و اولین شماره آن در تاریخ اول بهمن ۱۳۱۱ منتشر شد. ایران باستان روزنامه‌ای سیاسی، اقتصادی، مصوّر و هفتگی بود و مرام، آنچنان که در عنوان هر شماره ذکر می‌گردید «شناسانیدن ایران امروز به خارجه و ایرانیانی که در خارج از ایران زندگی میکنند، خصوصاً پارسیان مقیم هندوستان و...» بود. علاوه بر این، سیف آزاد خود را طرفدار شاهنشاهی و عظمت ایران باستان دانسته است. شماره نخست روزنامه در هفت صفحه به قطع بزرگ چاپ شد و در فاصله کمی تمام شد و مدیر آن مجبور شد برای بار دوم، پنج هزار نسخه آن را تجدید چاپ کند. با توجه به اینکه سیف آزاد مدت زیادی در آلمان ساکن بود و مجله صنایع شرق را در پایتخت آلمان منتشر می‌ساخت، این تجربه در نوشتن ایران باستان مؤثر افتاد. او همیشه سعی می‌کرد این روزنامه را مانند روزنامه‌های خارجی منتشر کند. نشریه ایران باستان، به شدت آلمان هیتلری را مدح می‌کرد و از آریایی بودن آلمانی‌ها و ایرانی‌ها سخن می‌گفت. به این ترتیب احساسات «آریایی خالص بودن» ایرانی‌ها را تهییج و تقویت می‌کرد.

ایران باستان مدت سه سال، یعنی تا آخر سال ۱۳۱۴ شمسی منتشر شد و از آن پس تعطیل گردید. سیف آزاد به اروپا سفر کرد و پس از بازگشتش به ایران

دوباره در ۱۳۲۶ ه. ش. ایران باستان را منتشر کرد و تا ۱۳۲۷ ه. ش. این روزنامه به کار خود ادامه داد.

۲-۳-۱. یافته‌های تحقیق در دوره عدم تمرکز:

در دوره اوّل مورد مطالعه، بررسی ۳۴ شماره نشریه صوراسرافیل نشان می‌دهد که از این تعداد، ۸ شماره دارای سرمقاله و ۲۶ شماره فاقد سرمقاله بوده‌اند. از ۲۹ شماره روزنامه روح‌القدس تنها ۱۲ شماره دارای سرمقاله و ۱۷ شماره بقیه فاقد سرمقاله بودند.

سیاست داخلی بیش از موارد دیگر، موضوع مورد بحث این روزنامه‌ها بوده است. در سرمقاله‌هایی که جهت اجتماعی دارد سعی شده است مردم با حقوق اجتماعی خود بیشتر آشنا شوند.

در مباحث فرهنگی به طور عمده از تقدیرگرایی، خرافه‌پرستی و پذیرش سلطه دولتمردان و وضعیت سرکوب‌کننده انتقاد شده است.

بررسی‌های به عمل آمده مبین آن است که در این دوران، روزنامه‌های صوراسرافیل و روح‌القدس به عنوان دو روزنامه معتبر آن زمان بیش از دیگر موارد به انتقاد از اوضاع داخلی و سیاست دولتمردان و نخبگان سیاسی پرداخته و جهت آگاه کردن مردم گامی بزرگ برداشته‌اند.

بررسی‌های بیشتر روشن می‌سازد در برخی از موارد شدت انتقادات در حدی است که از شاه نیز به طور غیر مستقیم انتقاد می‌شود.

۲-۳-۲. یافته‌های تحقیق در دوره تمرکز قدرت سیاسی:

تحلیل محتوای سرمقاله‌های دو نشریه اطلاعات و ایران‌باستان در ۱۳۱۲ ه. ش. نشان می‌دهد این دو نشریه برخلاف دو نشریه قبلی، کمتر رنگ انتقادی به

خود گرفته‌اند، به طوری که حتی می‌توان گفت اصلاً این دو روزنامه جهت انتقادی ندارند.

در میان ۴۵ شماره از روزنامه اطلاعات، ۸ شماره دارای سرمقاله و ۳۷ شماره فاقد سرمقاله بودند و همچنین از ۳۳ شماره روزنامه ایران باستان تنها ۱۰ شماره دارای سرمقاله و ۲۳ شماره فاقد سرمقاله بوده‌اند.

این دو روزنامه بیشتر به مسائل و موضوعات فرهنگی پرداخته‌اند و تحلیل‌های سیاسی، نقش کمتری در میان موضوعات مطرح شده دارند. با این تفاوت که روزنامه اطلاعات بیشتر به جنبه‌های متجددانه غربی و ایران باستان بیشتر به جنبه‌های ناسیونالیستی افراطی می‌پردازد.

نتیجه:

می‌توان از مطالعه تاریخی مطبوعات ایران در دوره توزیع نسبی قدرت سیاسی و تمرکز مطلقه قدرت، مدل خاصی برای یافتن نسبت میان توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی مطبوعات با توسعه سیاسی استخراج کرد. ایران در طول صد سال اخیر نام کشور انقلاب‌ها را به خود گرفته است. مردم ایران با جنبش مشروطیت پیمودن راه دشوار دموکراسی را آغاز کرده‌اند و در فرازی دیگر با نهضت ملی شدن نفت و دولت ملی دکتر مصدق تجربه‌ای دیگر را در آزادی آزمودند. هر دو دوره که با قدرت یافتن ملت همراه بود، طلیعه‌هایی از توسعه مطبوعات را ترسیم کردند، اما با تمرکز قدرتهای کودتایی در سوم اسفند ۱۲۹۹ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روند توسعه یافتگی مطبوعات سوبه‌ای معکوس به خود گرفت. انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ فراز جدیدی برای دستیابی ملت به حقوق اساسی خود از جمله آزادی بود. تجربه انقلاب اسلامی که به لحاظ رسانه‌ای تحت عنوان «انقلاب بزرگ و رسانه‌های کوچک» شناخته می‌شود با تجربه‌های ویژه مطبوعات

در ایران آمیخته است. پرداختن به این وضعیت، نیازمند تحقیق مستقلی است، اما می‌توان از همین مطالعه تاریخی بهره گرفت و مدل زیر را برای بررسی علل توسعه نیافتگی مطبوعات و اختلال در ارتباطات جامعه به کار گرفت.

منابع:

- ۱- نیل، یونت، دولت علیه ایران، سالنامه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، تهران، ۱۲۷۹ ه. ش.
- ۲- باری‌پر، ج، اقتصاد ایران، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، تهران، موسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی، ۱۳۶۳ ه. ش.
- ۳- براون، ادوارد، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، جلد ۲.
- ۴- پروین، ناصرالدین، گفت‌وگوی حضوری در تابستان ۱۳۷۳
- ۵- خانیکی، هادی، قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات، تهران، طرح نو، ۱۳۸۱ ه. ش.
- ۶- روزنامه صوراسرافیل، مقدمه دوره کامل صوراسرافیل، تهران، رودکی، ۱۳۶۰ ه. ش.
- ۷- صدرهاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد ۲.
- ۸- طبری، احسان، جامعه ایران در دوران رضاشاه، تهران، ۱۳۵۶ ه. ش.
- ۹- کهن، گوئل، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، تهران، آگاه، ۱۳۶۲ ه. ش.
- ۱۰- گفت‌وگوی حضوری با دکتر سید جعفر شهیدی
- ۱۱- گلین، محمد، روزنامه روح‌القدس، صاحب امتیاز؛ سلطان‌العلماء خراسانی، تهران، چشمه، ۱۳۶۳ ه. ش.
- ۱۲- اطلاعات در یک ربع قرن، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۲۰ ه. ش.

13- Banani, Amin (1971); The Tole Of The Mass Media, New York

14- Handbook of Qualitative Methods

15- Norman, Fairclegh (1988); Languange and Power, London and New York, Longman



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی